

بررسی مؤلفه‌های حج در اسامی صدور انقلاب

محسن محمدی

چکیده

انقلاب اسلامی ایران از بزرگ‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی قرن حاضر است که همه نظریات سیاسی و اجتماعی سکولار را تحت تأثیر قرار داد و با ایده بازگشت دین به صحنه اجتماع، قرائتی نوین از معارف و مناسک دینی مطرح کرد. در این بین حج به عنوان یکی از سیاسی‌ترین مناسک دینی، در این خوانش احیاگرانه، کارکردهای متعدد سیاسی و اجتماعی یافت و در مسیر بازتولید انقلاب اسلامی در عرصه جهانی قرار گرفت. بر این اساس می‌توان عناصر و مؤلفه‌های مشترکی را بین حج و انقلاب تبیین کرد؛ مانند خدامحوری، مردم‌محوری، رهبری و وحدت. با توجه به حضور میلیونی نمایندگان جهان اسلام در حج، ظرفیت زیادی برای صدور شعارها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی در حج وجود دارد.

مقدمه

حج، بزرگ ترین تجمع مسلمانان سراسر جهان است که هر سال، نمایندگان را گرد هم جمع می کند. شکل گیری این تجمع پربرکت، نیروی بسیاری را در اختیار جهان اسلام قرار می دهد تا درباره مسائل گوناگون جهان اسلام، اطلاع رسانی و روشنگری بهتری صورت گیرد. به هر حال، مسلمانان در سطح ملی و بین المللی، با مسائل گوناگونی درگیرند. از این رو بهره مندی بهینه از توانایی ها و جلوگیری از اتلاف سرمایه های انسانی و مالی چنین تجمعی، لازم و مفید است.

کنگره باشکوه حج، در مقایسه با نشست ها و کنفرانس های رسمی جهان اسلام، مانند «سازمان کنفرانس اسلامی» از این حیث که با حضور میلیونی ملت ها و توده های مردمی تشکیل می شود، تأثیر بسیار مفیدی در آگاهی رسانی، و در نتیجه اصلاح، بیداری و موج آفرینی افراد دارد. موضع گیری های خصمانه استعمار و استکبار در مقابل جهان اسلام، لزوم چنین تجمعی با چنین کارکردهایی را دوچندان می کند.

امام خمینی علیه السلام نیز با چنین هدف و رویکردی، همواره از این رسانه قدرتمند اسلام، برای آگاه کردن مسلمانان در راستای صدور انقلاب استفاده کرد. ایشان کعبه و حج را منبر بزرگی می دانست که می تواند بر بلندای بام انسانیت، صدای مظلومان را در همه عالم منعکس سازد.^۱ امام، این جنبه از حج را از ویژگی های اصلی و اساسی حج می دانست؛ تا با استفاده از آن، انقلاب علیه زورگویان همواره در جهان اسلام در جریان باشد:

آن حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید

۱. ر.ک: صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

باهم، بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دو تا قدرت چندصد میلیونی باشند.^۱

از مسائلی که سبب می‌شود حج، زمینه مناسبی برای صدور انقلاب داشته باشد، مؤلفه‌ها و مبانی مشترک حج و انقلاب است که سنخیت سیاسی و در نتیجه، کارکردهای یکسانی را ایجاد می‌کند. در این مقاله، قصد داریم مؤلفه‌ها و عناصر مشترک حج و انقلاب را بررسی کنیم تا زمینه‌های حج برای صدور انقلاب از این حیث مشخص شود.

عناصر و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی و حج

انقلاب اسلامی ایران در حالی به پیروزی رسید که دین از صحنه سیاسی و اجتماعی به گوشه رانده شده بود و تنها در حوزه فردی زندگی بشر حضور داشت. فضای علم‌زده و پوزیتیو حاکم بر عرصه نظریه‌پردازی نیز دین را از تحلیل‌های علمی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی حذف کرده بود. در این فضا امام خمینی با اندیشه‌ای متفاوت درباره دین و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن، انقلابی بزرگ را طراحی کرد که مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی متفاوتی داشت. به همین دلیل، بسیاری از نویسندگان خارجی اذعان نموده‌اند که انقلاب اسلامی ایران و تحولات ناشی از آن، پدیده‌ای شگفت‌انگیز است که موجبات شگفتی جهانیان را فراهم کرده و معجزه‌گونه بر تمام تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های غرب درباره ایران، خط بطلان کشیده است.^۲

از این لحاظ می‌توان امام خمینی را با طراحی انقلاب اسلامی، براساس تعالیم دینی، احیاگر دین و تفکر دینی نامید. امام خمینی براساس همین اصول و دیدگاه، حج را احیا می‌کرد و به شدت از دیدگاهی که حج را در ابعاد فردی خلاصه می‌نمود، انتقاد کرد؛ به این ترتیب امام

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲. ایران در حکومت روحانیون، دلیپ هیرو، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

خمینی بر اساس اصول و مؤلفه های انقلاب اسلامی، با تمرکز بر ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در عرصه بین‌الملل اسلامی، احیاگر حج ابراهیمی شد؛ که مبارزه‌گر با طاغوت بود.

برای شناخت اندیشه امام باید به مبانی نظری اندیشه ایشان نیز توجه کرد.^۱ احیاگری دینی امام خمینی، نگاهی جامع‌گرایانه به دین سنتی داشت و معطوف به بهره‌گیری از عناصر دینی در نوسازی جهان بود.^۲

امام خمینی در مسیر احیاگری دینی، اصالت‌هایی را که در سیر تحول تاریخی به خرافات و افسون‌های ذهنی و داوروی‌های غیرواقعی آلوده شده بودند، بازسازی کرد. به این ترتیب، با اتصال حال و آینده به پیشینه تاریخی، به بازسازی تاریخی پرداخت و از فقر تاریخی‌گری تفکر مدرن^۳ و ضد پیشرفت بودن جریان‌های بنیادگرای سلفی، فاصله گرفت.^۴ از این‌رو احیاگری امام خمینی، نه به معنای عقب‌ماندگی و عدم بهره‌مندی و بروز تمدن بود و نه با ایمان متدینین، تضاد داشت.^۵

امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام، به مسلمانان فهماند که اسلام علاوه بر ابعاد مناسکی، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.^۶ امام خمینی در مواجهه با اندیشه توسعه غربی، بسیار محتاط و دقیق بودند و بر

۱. برای مطالعه مبانی نظری و انسان‌شناختی و ارزشی اندیشه سیاسی امام خمینی رک: اندیشه سیاسی امام خمینی، محمدحسین جمشیدی، ۱۳۸۸، صص ۱۱۷-۱۹۰.

۲. رک: مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، ج ۱، «امام خمینی و احیاگری دینی: تغییر در پارادایم»، ولی‌الله عباسی، صص ۷۳-۱۰۱.

۳. رک: فقر تاریخی‌گری در حوزه فرهنگ و تمدن غربی، کارل ریموند پوپر، ترجمه احمد آرام، ۱۳۵۰ ش.

۴. رک: امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (اخلاق، عرفان و جامعه)، «حکیم وحدت و زعیم کثرت» (امام خمینی متفکر دوران گذار به جامعه توحیدی)، مظفر نامدار طالشانی، صص ۴۹۲-۴۹۸.

۵. رک: مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی، «امام خمینی و نقد تجدد و ترقی در جامعه دینی و غیردینی»، مظفر نامدار، صص ۵۷-۱۰۳.

۶. رک: «دستاووردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز»، احمد هوبر، ص ۷۶، ش ۱، خرداد ۱۳۷۰.

وارداتی و غیربومی بودن فضا، زمینه‌ها و نحوه نگرش اندیشه تجدد تأکید داشتند^۱؛ ولی دستاوردها و تکنولوژی غربی را طرد نمی‌کردند، بلکه به ایدئولوژی‌زدایی می‌پرداختند. یعنی مبانی مادی‌گرایانه آن را می‌زدودند و از آن به‌عنوان ابزاری در افق چشم‌انداز تمدن اسلامی استفاده می‌کردند.^۲

از نظر امام خمینی، سیاست از دیانت جدا نیست^۳، بلکه «اسلام تمامش سیاست است».^۴ [از نظر ایشان] جدایی دین از سیاست از توطئه‌های استعمار است.^۵ از نظر امام، بین دیانت و سیاست، رابطه تعاملی (تأثیر و تأثر) برقرار است.^۶ به‌عبارت دیگر بنا به تفسیر فلاسفه سیاسی، اخلاق به سیاست تعین می‌دهد و سیاست به اخلاق تحصیل می‌بخشد.^۷ تفسیر عالمانه و جامع‌نگر امام از سیاست و دیانت، به‌گونه‌ای است که دین و سیاست را در نفس‌الامر هم‌نشین می‌بیند. بنابراین از دیدگاه ایشان، مسائل عبادی اسلام، در عین عبادی‌بودن جنبه اجتماعی نیز دارند؛ یعنی عموم احکام و دستورات اسلامی مانند منشور چندبعدی، ابعاد، مراتب و لایه‌های متعدد و منسجم دارند.^۸

در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام حج با ظرفیت‌ها و کارکردهای اخلاقی، سیاسی، اجتماعی

۱. ر.ک: «امام خمینی و نقد مدرنیزاسیون در اندیشه ترقی (براساس اصول اندیشه تعالی)»، موسی نجفی، ۱۳۷۹، صص ۲۵-۵۵.

۲. ر.ک: تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، صص ۱۰۲-۱۰۵.

۳. برای نمونه ر.ک: صحیفه امام، ج ۴، صص ۲۰ و ۱۹؛ ج ۶، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۴. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰.

۵. برای نمونه ر.ک: صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۸؛ ج ۶، ص ۲۰۲.

۶. ر.ک: «اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی»، اکرم نامور، صص ۳۱۵-۳۴۲.

۷. برای مطالعه بیشتر در مورد دیدگاه برخی از فیلسوفان و متفکران اسلامی درباره اخلاق و سیاست ر.ک: اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، رضا خراسانی.

۸. ر.ک: مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، ج ۱، «هم‌نشینی دین و سیاست از منظر امام خمینی» غلام‌حسن مقیمی، ۱۳۸۹، ص ۴۱.

و اقتصادی‌اش در سطح فردی و ملی و بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای داشت؛ به‌طوری که می‌توان ایشان را احیاگر حج ابراهیمی نامید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، نقطه عطفی در تاریخ نهضت‌های اسلامی بود که توانست روح تازه‌ای در کالبد گرایش‌های اسلامی و نهضت‌های مردمی بدمد. امام خمینی در عمل، بسیاری از برنامه‌ها و ایده‌های این نهضت‌ها را تحقق بخشید و با احیای تفکر و هویت اسلامی، نظام سیاسی و اجتماعی اسلام را اجرا کرد.

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب نیز اهداف جهانی و بین‌المللی انقلاب را پی گرفت و از تمام امکانات و توانمندی‌های مکتب اسلام، برای بروز تمدن اسلامی در مقابل تمدن استکباری غرب بهره جست. ایشان در این بین، از «حج» تعریفی جدید به‌دست داد و در فضای بازآفرینی تفکر دینی، حج ابراهیمی را احیا نمود. ایشان با پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت حج - که روح آنها بیداری اسلامی بود -، سعی داشت تا تصور و تفکر جهان اسلام را در مورد حج تغییر دهد؛ تا آنها با نگرشی جامع به حج بنگرند و آن را به ابعاد فقهی، مناسکی، فردی و اخلاقی منحصر نکنند، و همچنین با بیان تفاسیر سیاسی و اجتماعی از حج، از ظرفیت‌های بی‌ظنیر آن در بیداری اسلامی بهره ببرند.

به این ترتیب می‌توان گفت که امام خمینی با احیای حج ابراهیمی، از ظرفیت‌های آن در راستای صدور انقلاب اسلامی استفاده کرد. به عبارت دیگر، مبانی و مؤلفه‌های حج ابراهیمی، همان اصولی است که انقلاب اسلامی براساس آن به پیروزی رسید و به دنبال تحقق آن است و از این حیث، هر دو در یک مسیر قابل تحلیل است.

به دیگر سخن، انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

از اصول و مبانی‌ای برخوردار است که آن را از سایر انقلاب‌ها جدا می‌کند. دقت در این مبانی و اصول، از شباهت‌های زیادشان با اصول و مبانی حج حکایت می‌کند، از این بابت است که رهبر و معمار انقلاب، پس از به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی ایران، ایده‌های تحول‌آفرین خود را در مورد حج بیان و احیاگر حج ابراهیمی نام گرفت. در این بخش، برخی از اصول و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی را در راستای فرهنگ حج بیان می‌کنیم؛ اصولی که در پایایی و پویایی بیداری اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱. خدامحوری

انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، هر دو حاصل احیای تفکر دینی در دوره معاصرند. در واقع احیای اسلام ناب، محرک اصلی آن دو است. اسلام، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پسوند «اسلامی» در حج و انقلاب، مقصد این دو حرکت را نشان می‌دهد. البته حج به عنوان یک عمل عبادی — اجتماعی و سیاسی، و انقلاب به عنوان یک عمل اجتماعی و سیاسی است؛ ولی هر دو برای انجام یک تکلیف و آن «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»^۱ و «لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا»^۲ است. حج ابراهیمی، فرصت جهاد، ایثار، شجاعت، شهامت، وحدت، ذکر و پرستش توحید است.^۳ محتوای حج، گرایش به حق و تهی کردن دل از همه تعلقات، رجم شیاطین انس و جن و عهد با خدای یکتا برای طرد قدرت‌های شیطانی است.^۴ اسلام جمهوری اسلامی، از حیث نظری و عملی، نفی طاغوت با تمام مصادیق و تأسیس جبهه غیرخودی و اثبات نظری و عملی حقانیت و تأسیس جبهه خودی است.

۱. قریش: ۳.

۲. حج: ۲۶.

۳. ر.ک: صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۷۷.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

از عوامل مهم همبستگی جهان اسلام، تفکیک این دو جبهه است. در حالت عادی و عدم تفکیک این دو جبهه، تضاد در داخل گروه شکل می‌گیرد. ولی با تمایز این دو گروه، انسجام درونی حاصل می‌شود و تضاد با گروه مقابل، خواهد بود.^۱

امام خمینی در مصاحبه با روزنامه «السفیر» در پاسخ به این سؤال که «در اذهان مردم، درباره برنامه انقلاب اشتباهی وجود دارد. مضامین فکری، اقتصادی و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران چیست؟» چنین جواب می‌دهد:

انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل، در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او، یعنی برای رضای او، عمل کنند. هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت می‌شوند به پرستش خدا، در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی، در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج، تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود، همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی، مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است.^۲

اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، نفی طاغوت (نفسانی، مستبدان داخلی و مستکبران خارجی)، نفی شخص، شخصیت و لذت پرستی و تحقق بخشیدن به حاکمیت الله و مردم از طریق آگاهی، اجتماع و قیام به شیوه انسانی و با لغو تمام امتیازات است.

۱. آنا تومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، فرامرز رفیعی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱.

۲. مردم محوری

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱ (آل عمران: ۹۶). مقصود این نیست که خانه‌ای در عالم نبود، بلکه کعبه نخستین خانه‌ای است که به نام خدا و به سود عموم مردم تأسیس شده است. هر ساختمانی که به دست آدمی ساخته شده، به نفع فرد یا جمع و به زیان دیگران است. کاخ‌های ساخته عموم بشر، ملل را قربانی می‌کند، ولی خانه‌ای که به نام خدا باشد، همه را تسلیم حق می‌گرداند.^۲ کعبه، محل اجتماع مردم و مرکز خیر و برکت است. بزرگ‌ترین خیر و برکت آن، عدالت، مردمی بودن و فقدان تبعیض است. خانه‌ای که در آن حق، عدالت و مردم باشد، امنیت کامل برقرار است؛ تبعیض قومی، نژادی، مذهبی، حاکمیت انسان‌های مستبد و ظالم، کفر، نفاق، فسوق و خودپرستی، تهدید و تنازع و درگیری در آن وجود ندارد. در واقع بنیان خانه خدا، بنیان مبارزه با باطل، به معنای تام کلمه است. انقلاب عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، با بنیانگذاری خانه آغاز گشت. ابراهیم علیه السلام رهبر انقلاب بود.

در حج، مافیة‌الحرکه مردم است. یک خانه در روی زمین با صراحت، مشترک بین خدا و مردم است یا چون خالص خانه خداست، خانه مردم است یا بالعکس؛ چون خانه مردم است، خانه خداست. کعبه را هم بیت‌الله می‌نامند و هم ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ گویند. از امام علی علیه السلام نقل شده است: «قال كانت البيوت قبله و لكنه أول بيت وضع لعبادة الله»^۳. تنها خانه‌ای که فقط برای بندگی خدا بنا شده و از زخارف دنیا به دور است؛ البته اگر دست دنیاطلبان کوتاه باشد. دل‌خدایی، خانه خدا و خانه خداست، خانه مردم است. عبارت شریعتی در این زمینه زیباست: «بیت عتیق است؛ عتیق: آزاد. خانه‌ای

۱. نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است. خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است.

۲. به سوی خدا می‌رویم، محمود طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۵.

۳. کنز العمال، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۴۲۹۷.

که از مالکیت شخصی، از سلطنت جباران و حکام آزاد است، کسی را بر آن دستی نیست، صاحب خانه خداست، اهل خانه، مردم.^۱ فاصله انسان و خدا چیست؟ آیا زمان است یا مکان؟ هیچ کدام! فاصله انسان و خدا، خودیت و منیت انسان است. خدا نزد قلب‌های شکسته است. مردم در خانه‌ای هستند که کسی احساس مالکیت نمی‌کند.

همه در مسجدالحرام برابرند و فرقی میان حضری و سفری و دور و نزدیک نیست:

﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾^۲

امام خمینی، انقلاب ایران را انقلاب مربوط به ناس می‌داند، نه قشر خاصی:

این نهضت ایران، نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوث‌اند بر انسان‌ها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان‌ها. خطاب به ناس [است]: «یا آیها الناس». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم، اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.^۳

از نظر امام، انقلاب متکی به قشر خاصی نیست؛ اما نقش اصلی را طبقه مستضعف، مستمندان، فقرا، زاغه‌نشینان، حاشیه‌نشینان و محرومان ایفا کردند.^۴ در واقع، خاستگاه انقلاب مانند خاستگاه اسلام است؛ اما موضع‌گیری آنها موضع‌گیری عام و انسانی و ناس است و منافع ناس را تأمین می‌کند. از نظر امام خمینی، آیه ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾

۱. حج، علی شریعتی، ۱۳۶۰، ص ۵۵.

۲. حج: ۲۵.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

۴. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمدرضا دهنشیری، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

دلیل بر همگانی‌بودن دعوت خدای تبارک و تعالی به اسلام است و این خانه را برای تمام عالم قرار داده است.^۱

مخاطب امام خمینی، مردم بود. محل تجمع انقلابیون، مکان‌هایی بود که به هیچ‌کس تعلق نداشت. مساجد، خانه‌های متعلق به مردم‌اند. مشروعیت و اعتبار یک حرکت انقلابی و استمرار آن، به متکی‌بودن بر مردم وابسته است.^۲

۳. رهبری

براساس حدیث مبانی پنج‌گانه دین (نماز، روزه، زکات، حج و ولایت)، حج بدون ولایت، حضور در عرفات بدون معرفت امام، قربانی در منا بدون فداکاری در راه امامت و سعی بدون تلاش برای شناخت امام، بی‌حاصل است.^۳ وجود رهبری در حج و انقلاب، یک ضرورت است. حج و انقلاب بدون رهبری، نتیجه‌ای جز پراکندگی، دعوای بی‌حاصل، سردرگمی و هزینه‌ها و تلفات جبران‌ناپذیر نخواهد داشت. حج ابراهیمی بدون ابراهیم علیه السلام، حج محمدی بدون محمد صلی الله علیه و آله و سلم و انقلاب ایران بدون رهبری امام خمینی، ابراهیمی، محمدی و اسلامی نخواهند بود.

تأمین اسرار معنوی و آسمانی حج و جهت‌دادن به اجتماع انبوه حاجیان و هدایت قیام و مبارزات مورد نظر از موافق حج بدون رهبری، به نتیجه‌ای نمی‌رسند^۴ جای‌جای مکه ابراهیم را تداعی می‌بخشد. اگر حج، امری تاریخی باشد، همه‌چیز پایان یافته است. اگر غیرتاریخی باشد، ابراهیم زمان را که امامت حج را به عهده گیرد و آن را به جایگاه اصلی خود بازگرداند، باید جست‌وجو کرد. حج ابراهیمی با ابراهیم علیه السلام

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۲. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی‌زند، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

۳. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۹۷.

معنا می‌یابد. حج، بدون امامت انسان صالح، نمی‌تواند محل خیزش عمومی و قیام علیه طاغوت‌های داخلی و بین‌المللی باشد. امام باقر علیه السلام به مردمی که بر گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و سپس فرمود:

در جاهلیت، این‌گونه طواف می‌کردند. همانا به آنان دستور دادند که بر گرد کعبه طواف کنند، سپس به سوی ما کوچ کنند و با ما اعلام همبستگی و دوستی کنند و یاری خود را بر ما عرضه بدارند.^۱

فرهنگ‌سازی و دعوت مردم به حج و آشنا ساختن مردم به اسرار و منافع آن، وظیفه ابراهیم علیه السلام است. گردهمایی بدون رهبری، نه تنها به امنیت ختم نمی‌گردد، بلکه به درگیری و نزاع مبدل می‌شود؛ چون همه، ادعای بزرگی و منیت دارند. جریان‌سازی اجتماعی و سیاسی در گردهمایی حج، بدون رهبری شکل نمی‌گیرد. امام خمینی، تبلیغ و تعلیم را دو فعالیت مهم در راستای قیام امت اسلامی و تأسیس حکومت می‌داند.^۲ امام خمینی نظیر خلیل الرحمن حج را احیا و اقامه کرد.^۳

رهبر انقلاب اسلامی، مردمی بود. روحانیت شیعه، در میان مردم زندگی می‌کنند و ارتباط بسیار نزدیکی با آنها دارند.^۴ حضرت ابراهیم پس از بنای کعبه یک دعای آینده‌نگرانه درباره امت اسلامی می‌کند: «پروردگارا، در میان ایشان پیامبری از آنان برانگیز که آیات تو را برایشان بخواند و آنان را کتاب و حکمت (اندیشه درست و گفتار و کردار درست) بیاموزد و پاکشان سازد، که تویی توانای بی‌همتا و دانای استوارکار».^۵

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲. ولایت فقیه، امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶.

۳. بنیان مرصوص، عبدالله جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱.

۴. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۶.

۵. بقره: ۱۲۹.

اجتماع گروه مؤمنان در حج و انقلابیون در انقلاب، نیازمند رهبری است. کسی می‌تواند رهبری یک گروهی را به عهده بگیرد که از جنس آن گروه و هم‌ارزش با آن گروه باشد و در جهت تأمین و پیگیری اهداف آن، از محبوبیت و توانایی لازم برخوردار باشد. آیه، همه این صفات را بیان می‌کند. در واقع، مهم‌ترین ضوابط رهبری از میان گروه و مردم بودن، هم‌ارزش بودن و نیازهای مشترک داشتن است.^۱

حج ابراهیمی، فرایند شکل‌گیری رهبری و امامت جامعه را در ابراهیم علیه السلام به نمایش گذاشت تا هرکسی در هر زمانی بداند، رهبری جامعه اسلامی و هدایت امت اسلامی به سوی خدا، کار هرکسی نیست، و او باید هزینه‌های زیادی را تحمل کند.

۴. وحدت کلمه و همبستگی

همبستگی از چهار عامل ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و تجمعات مشترک حاصل می‌گردد و چهار کارکرد تطبیق با شرایط جدید، حل تنش‌های اجتماعی، نیل به اهداف و حفظ همبستگی را ایفا می‌کند.^۲ همه عوامل همبستگی و کارکردهای آن، در حج در قالب «کلمه توحید» و «توحید کلمه» خود را نشان می‌دهند. در همه ادیان، تشکیل انجمن اخوت برای رسیدن به آرمان مذهبی و اجتماعی متدینان رواج دارد. این حرکت برای همبستگی پیروان، به منظور اعتراض به وضع موجود و وصول به آرزوی مشترک و تجدید و تشدید اعمال دینی بنیادی است.^۳ زمینه شکل‌گیری اخوت و برادری در اسلام، با توجه به تأکیدات قرآن کریم و متون دینی، بسیار گسترده است. اساساً مذهب، خاصیت تشکیلاتی بالایی دارد. این تشکیلات می‌توانند ماهیت سیاسی و اجتماعی، هیئتی، رهبانی و انزوایی محافل عرفانی و درویشی‌گری موافق یا مخالف وضع موجود داشته باشند.

۱. آناتومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۵۱.

۳. جامعه‌شناسی دین، یواخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، ۱۳۸۷، صص ۱۷۳-۱۷۵.

مناسک و مواقف حج، از این حیث بیشترین تأثیر را در ایجاد وحدت اجتماعی و تنظیم روابط مسلمانان و کشورهای اسلامی، برای تأمین خیر عمومی آنها خواهد داشت. تحقق جامعه شناختی حج، منوط به وحدت کلمه است. حج کارکرد خود را بدون همفکری، همدلی، هم‌گرایی و درک عمیق اوضاع و تفاهم بین ملل اسلامی ایفا نمی‌کند.

۵. قیام و مبارزه

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ ایران، اسلام و جهان است و رخدادی عظیم و اثرگذار در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید که موجب بسیاری از تحولات و دگرگونی‌های سیاسی در جهان شده است. اهمیت این رویداد تاریخی در این است که از یکسو معادله‌های سیاسی استکبار را در ادامه تقسیم استعماری جهان به دو قطب شرق و غرب بر هم زد و از سوی دیگر، از مقتدرترین رژیم‌های وابسته به قدرت‌های بزرگ در کشوری که از نظر استراتژیکی و اقتصادی با اهمیت بود، ریشه کن نمود. مهم‌تر از آن، با ایجاد آگاهی عمیق در میان ملت‌های مسلمان، زمینه جنبش‌ها، حرکت‌ها و تحولات سیاسی مهمی را فراهم آورد. ظهور این جریان سیاسی، بار دیگر اسلام را یک قدرت برتر در سطح جهان مطرح کرد و چشم‌اندازی امیدبخش برای حرکت به سوی بازیابی خویشتن و ایستادگی در برابر استبداد و استکبار، پیش روی مسلمانان قرار داد.^۱

از نظر هانتینگتون، جوهره قیام و انقلاب، توسعه آگاهی سیاسی و بسیج اجتماعی در درون حوزه سیاسی است.^۲ فلسفه حج، به عنوان فریاد مظلومان و موحدان عالم علیه ظالمان^۳، بدون آگاهی و بسیج همگانی امکان پذیر نیست. بنای کعبه، برای مبارزه با بندگی

۱. انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵.

۲. انقلاب و بسیج سیاسی، ص ۵۵.

۳. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

اوهام، اصنام، گذشته‌گرایی، استثمار و استعمار و هرگونه تسلیم در برابر طواغیت زمان است.^۱ خداگرایی (لله)، مردم‌نگری (للناس) و آینده‌نگری (اذن یاتوک) از اصول اساسی حج ابراهیمی است. قیام، به یک ملت هویت می‌بخشد. خداوند، کعبه را خانه و مرکز قیام مردم قرار داد (مانده: ۹۷). امام تحقّق مظاهر آیه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^۲ را منوط به تحقّق مفهوم آیه «قِيَامًا لِلنَّاسِ»^۳ می‌داند.^۴ قیام برای آزادی، قسط و عدل، پاک‌سازی جامعه از تمام انحراف‌ها، پستی‌ها و آلودگی‌ها، قیام برای منافع انسان‌ها و کوتاه‌کردن دست جباران و ستمگران عالم و سلطه آنان بر کشورهای مظلوم و قیام برای ساختن جامعه متکامل توحیدی است.^۵ این بیت، احکام و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است؛ قوام و حیات یک ملت، در قیام برای حفظ مصالح و منافع خود است. اطلاق «قِيَامًا لِلنَّاسِ» نشان‌دهنده عامل پایدار بودن کعبه از تمام جهات است. یک چنین قیام و یک چنین وحدت و یگانگی و ازدحامی، درهم شکستنی نخواهد بود.^۷

مقام معظم رهبری حج ابراهیمی، محمدی، علوی و حسینی را توجه به قدرت خدا و پشت‌کردن به قدرت طواغیت و جباران می‌داند.^۸ هر قیامی دو وجه دارد: وجه ایجابی آن که گردهمایی مردم، امنیت، تأمین منافع مادی و معنوی و تمام منافع فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و احیای هویت انسانی و ناس است و وجه

۱. به سوی خدا می‌رویم، ص ۱۵.

۲. حج: ۲۸.

۳. مانده: ۹۷.

۴. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

۵. سخن‌نامه حج، محمد محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲.

۶. تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۱۰.

۷. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۷۱.

۸. ر.ک: صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۶.

سلبی آن که براءت از همه طواغیت و جباران داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر وجه نفی، وضع موجود نامطلوب و وجه اثباتی، وضع مطلوب است. شاید از همین روی براءت، رکن سیاسی حج محسوب می‌شود.

۶. دشمن‌شناسی

آل احمد پس از تبیین نفوذ غرب و نظام سرمایه داری در کشورهای عربی و اسلامی و شکست موضع‌گیری‌های انفرادی کشورهای اسلامی در غرب، این مسئله را مطرح می‌کند: «از خود پرسیدم که برای موضع گرفتن در مقابل غرب این مراسم حج، خود نوعی سکوی پرش نیست؟»^۱ در واقع، وی راه برون از وضع اسف بار کشورهای اسلامی را احیای حج می‌داند. آل احمد از بی‌نظمی‌های حج در سال ۱۳۴۳ شکایت می‌کند و می‌گوید: سالی یک میلیون نفر در این مراسم شرکت می‌کنند که اگر نظم، تسهیلات و نوجویی‌هایی داشت، چه قدرتی می‌توانست باشد. آل احمد تنها راه احیای حج را بین‌المللی کردن مدیریت آن می‌داند.^۲ مدیریت صحیح حج باعث فراموشی تمام حقارت‌های تاریخی مسلمانان در برابر دنیای غرب خواهد شد. حاجیان مشغول آداب ظاهری حج، داد و ستد در بازارهای مکه و مدینه، ولی «آخر درین اجتماع باید معنایی باشد! معنایی برتر ازین داد و ستد و بازار و سیاحت و ادای دین و آداب و اقتصاد و حکومت و هزار الزام دیگر».^۳ هویت این اجتماع بزرگ بشری را باید جست‌وجو کرد و برای به‌دست آوردن باید قیام نمود.

حج همراه با براءت، به‌عنوان حج انقلابی در ادبیات سیاسی جای گرفته است.^۴

۱. خسی در میقات، جلال آل احمد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۵۸.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

هویت از پاسخ به دو سؤال اساسی مشخص می‌گردد: من کی هستم، و من کی نیستم؟^۱ غیریت‌سازی در عرصه اعتقادی، اجتماعی و سیاسی و حوزه‌های دیگر زندگی، بخشی از هویت جوامع و گرایش‌ها را تبیین می‌کند.^۲ مواضع حج، سراسر مملو از خودی‌سازی و غیریت‌سازی است. انقلاب در عرصه سیاسی و اجتماعی و نظام سیاسی، خودی‌ساز و غیریت‌ساز است.

نتیجه‌گیری

رابطه حج و انقلاب اسلامی، رابطه‌ای دوسویه است. از طرفی فکری انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های حج با یکدیگر منطبق هستند، و از طرفی حج، فرصت مناسبی برای صدور انقلاب است. این مسئله از این حیث است که انقلاب ایران، ماهیتی دینی دارد و براساس قرائتی نوین از دین مطرح شده است؛ که سعی دارد دین را در مصدر مدیریت سیاسی و اجتماعی حیات بشر قرار دهد، و از این لحاظ نظم بین‌الملل را به چالش کشیده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی تعریفی نوین از کارکردها و ابعاد حج مطرح نموده است که در عین داشتن ابعاد فردی (اخلاقی، فقهی و تربیتی)، از ابعاد و کارکردها سیاسی و اجتماعی نیز برخوردار است. بر این اساس مسلمانان را به جهاد و انقلاب فرامی‌خواند و در برائت از مشرکین، مسلمانان را در مقابل استکبار جهانی متحد می‌کند.

در این بین، همان قرائت قبلی از حج که آن را در ابعاد فردی مناسبی خلاصه می‌کرد، مانع این کارکردهای حج است؛ تا منافع حاکمان وابسته استبدادی و قدرت‌های خارجی استعمارگر به خطر نیفتد.

۱. تغییرات اجتماعی، گی‌روشه، ترجمه منصور وثوقی، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

۲. جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

منابع

۱. «اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی»، اکرم نامور، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، ج ۲، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)، چ ۱، قم، ۱۳۸۹.
۲. اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، رضا خراسانی، بوستان کتاب، قم؛ «پیوند اخلاق و سیاست در تفکر اسلامی»، دانیل اچ. فرانک، ترجمه: مسعود صادقی علی‌آبادی، متین، ش ۹.
۳. امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (اخلاق، عرفان و جامعه)، «حکیم وحدت و زعیم کثرت (امام خمینی متفکر دوران گذار به جامعه توحیدی)»، مظفر نامدار طالشانی.
۴. امام خمینی و نقد مدرنیزاسیون در اندیشه ترقی (براساس اصول اندیشه تعالی)، موسی نجفی، مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
۵. آنا تومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، فرامرز رفیعی‌پور، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۷.
۶. اندیشه سیاسی امام خمینی، محمدحسین جمشیدی، چ ۳، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، تهران، ۱۳۸۸.
۷. انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، چ ۱، قم، نشر معارف، ۱۳۸۱.
۸. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
۹. ایران در حکومت روحانیون، دیلیپ هیرو، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی، چ ۱، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۶.

۱۰. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.
۱۱. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی، در روابط بین الملل، محمدرضا دهشیری، چ ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.
۱۲. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی‌زند، مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. بنیان مرصوص، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸.
۱۴. به‌سوی خدا می‌رویم، محمود طالقانی، تهران، مشعر، ۱۳۸۱.
۱۵. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت‌زاده، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۱۶. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
۱۷. تغییرات اجتماعی، گی‌روشه، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۸. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی خمینی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۸ق.
۱۹. تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۰. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۱. تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، چ ۱، نشر آرما، اصفهان، ۱۳۹۰.
۲۲. جامعه‌شناسی دین، یواخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۷.
۲۳. جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ۱۳۸۰.
۲۴. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمدحسین پناهی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳.

۲۵. حج، علی شریعتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۶. خسی در میقات، جلال آل احمد، فردوس، تهران، ۱۳۷۹.
۲۷. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمدرضا دهشیری، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۸. «دستاورد های انقلاب اسلامی در جهان امروز»، احمد هوبر، مجله حضور، ش ۱، خرداد ۱۳۷۰.
۲۹. سخن نامه حج، محمد محمدی ری شهری، دوره چهار جلدی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۹۰.
۳۰. صهای حج، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.
۳۱. فقر تاریخی گری در حوزه فرهنگ و تمدن غربی، کارل ریموند پوپر، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰ش.
۳۲. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، «امام خمینی و احیای دینی: تغییر در پارادایم»، ولی الله عباسی.
۳۳. مجموعه مقالات همایش اندیشه های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، «هم نشینی دین و سیاست از منظر امام خمینی»، ج ۱، غلام حسن مقیمی، ج ۱، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)، قم، ۱۳۸۹.
۳۴. مؤلفه های اندیشه سیاسی امام خمینی، «امام خمینی و نقد تجدد و ترقی در جامعه دینی و غیر دینی»، مظفر نامدار.
۳۵. ولایت فقیه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۰.